«بحران کرونایی»؛ خصوصی‌سازی سود، اجتماعی کردن زیان!

نازنین و یامین

مقدمه

بحران باصطلاح کرونایی چنان با تئوری‌های توطئه، شایعات و تبلیغات متنوع درهم‌آمیخته که پی‌بردن به حقیقت آن محتاج یک کندوکاو جدی است. بعلاوه دولتها و رسانه‌های رسمی چنان فضای پرتنش، نگران‌کننده و وحشت‌آوری ایجاد کرده‌اند که عرصه بر اندیشه انتقادی و بحث‌های کشاف و آگاه‌گرانه تنگ شده است.

در نوشتار پیشین[1] تاکید شد که خطرِ پاندمی کووید۱۹، واقعا جدی است و مباحث روشنگرانه، آنهم در فضای رسانه‌ای حاضر، ضرورت و اهمیت زیادی دارد. بعلاوه یادآوری شد که در دورهٔ آغازین شیوع ویروس «سارز۔ کووی ۱۹» دولتمردان بمنظور حفظ چرخهٔ گردش و انباشت سرمایه، بجای پخشِ بموقع خبر و تدارکِ اقدامات لازم، به نادیده‌انگاری، پنهان‌کاری و دروغگویی پرداختند و راه برای شیوع پاندمی کووید۱۹ فراهم‌تر کردند. ضمنا اشاراتی هم به سودجویی‌های انحصاراتِ تولیدِ دارویی شد که علی‌رغم برخورداری از توان اقتصادی، تکنولوژیک و علمی، در تهیه واکسن علیه ویروسی که از سال ۲۰۰۳ شناخته شده بود ـ تا به امروز۔ کوتاهی کردند. و ... در خاتمه خاطرنشان گردید که پاندمی کووید۱۹ نیشتری بر دُمل چرکینی بود که از پیش وجود داشت؛ و به این معنا، ویروس کرونا علتِ بحران کنونی نبود و صرفا به آن سرعت و شدت بخشید![2] البته نه در نوشتار پیشین و نه نوشتهٔ حاضر، غرض بررسیِ تحلیلی از بحران اقتصادی نبوده‌است؛ دلیلش هم این است که داده‌های موجود برای چنین تحلیلی، هنوز ناکافی بنظر می‌رسد.

در مطلب حاضر، تاکید بر افشای سیاست‌هایی است که دولت‌ها، شرکت‌های داروئی و سرمایه‌های بزرگ در مقابله با پاندمی کرونایی به پیش برده‌اند؛ سیاستی که در پنج دههٔ اخیر، رویکردِ اکثر دولت‌های بورژوایی بوده و در پیامدِ حوادث طبیعی (مثل سونامی)، رکودهای اقتصادی (مثل حباب مسکن ۲۰۰۸) و رخدادهای سیاسی (مثل ۱۱ سپتامبر)

به مرحله اجرا گذاشته شده‌است. از آنجا که «دکترین شوک»، نمونه‌های مستند و افشاگرانهٔ زیادی در این خصوص ارائه می کند، اشاراتی هم به آن خواهد شد.

بنابراین تمرکز نوشتار حاضر بر نکات زیر خواهد بود: ۱- پاندمی کووید۱۹ یک سونامیِ غیرمنتظره نبود ۲- با وجودیکه دولت‌ها و مسئولین از وقوعِ محتمل آن واقف بودند اقدام پیشگیرانه‌ای نکردند، و حتی با اتخاذِ آگاهانهٔ سیاست‌های ریاضتی، راه را برای آسیب‌پذیری جوامع انسانی هموارتر ساختند و به این معنی مسئولیت کشتارهای ناشی از پاندمی کووید۱۹ را می‌باید به پای آنان نوشت ۳- دولت و سرمایه‌های بزرگ از پاندمی کووید۱۹ برای حل معضلاتی که درگیرش بودند و نیز برای بازآرایی نیرو، بمنظور تحکیمِ موقعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسیِ بورژوازی حاکم سود جستند.

۱- پاندمی کووید-۱۹ یک پدیدهٔ تصادفی و غیرمنتظره نبود[3]

جدول شماره ۱ (در پایان نوشتار) نشان می‌دهد که اپیدمی‌ها و پاندمی‌ها، ابدا پدیده‌های نوظهوری در تاریخ بشر نبوده‌اند. انسان از قرن دوم میلادی با این معضل دست به گریبان بوده و بکرات آنرا تجربه کرده و بهای سنگینی نیز برایش پرداخته است. انتقال زونوتیک‌ها[4] از حیوان به انسان نیز ابدا پدیدهٔ جدیدی نیست. سابقه تاریخی اینان به دوران نوسنگی می‌رسد که انسان بمنظور شخم زنی و بارکشی، شروع به اهلی کردن حیوانات کرد. آن هنگام بود که سرخک و سل را از گاو، سیاه سرفه را از خوک و آنفلوانزا را از اردک گرفت. با رشد صنایع دامداری و دامپروری، تخریب جنگل‌ها، توسعهٔ شهرنشینی و رویکرد خیلی از حیوانات (از جمله خفاش) به مناطق مسکونی، عملا سرایت زنوزیس‌ها آسانتر شد و گسترده‌ترشدن راههای ارتباطاتی و مراوداتی، بر سرعت انتقال آنها افزود.[5] بنا به گزارش سازمان بهداشت جهانی، هم اینک، در جهان، حدود یک میلیارد موردِ ابتلا به زونوزیس وجود دارد که سالیانه جان میلیونها نفر را می‌گیرد. تنها در سه دهه گذشته بیش از ۴۰ زنوتیک جدید یافت شده که در اپیدمی‌های اخیر نقش مهمی داشته‌اند.[6] همین امر سبب شد تا زنوزیس ـ که پیش‌تر واژه‌ای تخصصی بود ـ به ادبیات عامیانه راه پیدا کند.[7]

ضمنا، بر خلاف آنچه که رسانه‌های بورژوایی تبلیغ می‌کنند، ویروس «سارز-کووی-۲» ابداً **جدید** (Novel) و ناشناخته نبود! اولین بار در سال ۲۰۰۲ کشف شد و «سارز-کووی» نام گرفت؛ دلیل این نامگذاری هم این بود که موجب بروز نوعی ذات‌الریه حاد و غیرمعمول (**S**evere **A**cute **R**espiratory **S**yndrom) می‌شد که سارز SARS حروف اول این سندرم است. دومین موردش، یک دهه بعد در خاورمیانه ظاهر گردید که به سندرم تنفسی خاورمیانه (**M**iddle **E**ast **R**espiratory **S**yndrom) یا مرس MERS معروف گردید. تحقیقات ابتدایی روی ویروس

باصطلاح جدید نشان داد که این هم از خانوادۀ همان سارز-کووی اولیه است؛ و به همین دلیل اسمش را «سارز-کووی-۲» گذاشتند!

بعلاوه، از دهه‌ها پیش، دانشمندان و محققانی که مشغول بررسی اپیدمی‌ها و پاندمی‌های گذشته بودند، یافته‌ها و آموخته‌های‌شان را در اختیار مقامات ذیربط قرار داده بودند. برای نمونه جان باری (John M. Barry) نویسنده کتاب آنفلوآنزای بزرگ (The Great Influenza) تحقیقات دامنه‌داری راجع به پاندمی آنفلوآنزای موسوم به اسپانیایی (۱۹۱۸) انجام داد که در سال ۲۰۰۴ منتشر شد. این پاندمی که به مرگ بیش از ۵۰ میلیون نفر انجامید، درس‌های ارزنده‌ای برای آموختن داشت که در طول ۱۵ سال گذشته، دولتها و نهادهای ذیربط اعتنایی به آنها نکردند! جان باری در مصاحبه اخیرش، راجع به پاندمی کرونایی، در جواب به این سئوال که بزرگترین خطای تجربۀ ۱۹۱۸ چه بود و آیا توانستیم با درس‌گیری از آن خطا، در تقابل با پاندمی کرونایی موفق‌تر عمل کنیم، به صراحت گفت که مهمترین خطای آنزمان دروغگویی دولت‌ها و مسئولین ذیربط بود که امروز به شکل جدی‌تر در حال تکرار است.[8]

نمونه دیگر، لاری بریلیانت (Dr. Larry Brilliant) برنده جایزه TED[9] در سال ۲۰۰۶ است. او که از دست‌اندرکاران اصلی ریشه‌کنی آبله در سال ۱۹۸۰ بود در سخنرانی‌اش در همایش «تد» به صراحت گفت که مهمترین مسئله «تشخیص بموقع» و «اقدام بموقع» است. او ضمن تکرار این دو رکن، بمنظور تاکیدگذاری بیشتر، از مستمعینِ همایش خواست تا آنها را تکرار کنند؛ و حضار با صدای بلند فریاد زدند: «تشخیص بموقع» و «اقدام بموقع».[10] در ادامه، لاری بریلیانت، ضمن اشاره به شتاب‌گیریِ جابجایی‌های مردم (آنهم در ۱۵ سالِ پیش‌تر) نتیجه گرفت که در صورت بروز یک پاندمی، اگر که «تشخیص و اقدام بموقع» صورت نگیرد، ظرف سه هفته تلفات میلیونی ببار خواهد آمد. او نهایتا توصیه کرد که قرنطینه بهترین راه برای مقابله با این پاندمی‌ها است.

اخیرا نیز مصاحبه‌ای با لاری بریلیانت در رابطه با پاندمی کرونایی انجام شد که خواندنی است. او در این مصاحبه صراحتا می‌گوید:

> *«همۀ جامعۀ اپیدمیولوژیکی، در طول ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته هشدار داده‌اند که وقوع یک پاندمی، مشابۀ همین چیزی که در حال تجربه‌اش هستیم، حتمی است...»* [11]

نمونه دیگر فرانک اسنودن، نویسنده کتاب «اپیدمی و جامعه: از مرگ سیاه تا اکنون» است.[12] او نیز تحقیقات گسترده‌ای راجع به اپیدمی‌ها، از طاعون سیاه در قرن ۱۴ تا زمان فعلی انجام داده و آموخته‌هایش را منتشر کرده است.[13]

مایک دیویس، نویسندهٔ کتاب «هیولای پُشتِ‌در: تهدید جهانی انفلوآنزای مرغی»[14] نیز خطر پاندمی ویروسی را در سال ۲۰۰۵ هشدار داده بود. او در مصاحبه اخیرش، در جواب به این پرسش که آیا شیوع پاندمی کرونایی غیرمنتظره بود، گفت:

«یک ذره هم غافلگیرکننده نبود. وقوع یک پاندمی از زمانِ شیوع بیماری سارز در ۲۰۰۳، مهم‌ترین مشغلهٔ فکری اپیدمیولوژیست‌ها بوده است. با از راه رسیدن آنفلوآنزای مرغی در ۲۰۰۵، دولت آمریکا، مشتاقانه، طرح "استراتژی ملی علیه پاندمی آنفلوآنزایی" را منتشر کرد که بر این یافته مبتنی بود که در کلیهٔ سطوحِ سیستم سلامتیِ عمومی آمریکا، آمادگی لازم برای مقابله با شیوع یک بیماری در مقیاس وسیع وجود ندارد. پس از هراس ناشی از آنفلوانزای خوکی در ۲۰۰۹، «طرح استراتژی ملی» بازنگری و به روز شد و در ۲۰۱۷، یک هفته پیش از تفویض قدرت به ترامپ، مقامات رسمی دولت خلع شدهٔ اوباما و دولت بقدرت رسیدهٔ ترامپ، مشترکا سناریوی رخداد یک پاندمی در مقیاس وسیع را، در رابطه با سه بیماری آنفلوانزای خوکی، ابولا (Ebola) و ویروس زیکا (Zika)، بکمک مدل‌های کامپیوتری شبیه‌سازی کردند و واکنش سیستم درمانی و بیمارستان‌های فدرال را مورد بررسی قراردادند. البته معلوم شد که سیستم درمانی از پیشگیری پاندمی احتمالی و یا حتی صاف نگه‌داشتن منحنی مربوطه، ناتوان است.» [15]

پس از شیوع اپیدمی‌های متعدد آنفلوآنزایی (روسی، اسپانیایی، آسیایی، هنگ‌کنگی و ...)، ابولا، سارز و مرس *اینگونه هشدارها و زنگ خطرها بمراتب بیشتر* بصدا درآمدند. حتی خطر بقدری ملموس و محسوس شد که بیل گیتس، یکی از ثروتمندترین مردان جهان در همایش «تد» (۲۰۱۵) اعلام کرد[16] که تهدیدآمیزترین خطر، نه جنگ هسته‌ای بلکه خطر بیولوژیکی است.[17] او اضافه کرد که کشورهای جهان آمادگی لازم برای مقابله با چنین خطری را ندارند. به همین خاطر خواهان سرمایه‌گذاری و مشارکت جمعی، بمنظور کسب آمادگی لازم برای مقابله با پاندمی شد. در سال ۲۰۱۶، این تلاش به تاسیس سازمانی به نام ائتلاف برای آمادگی خلّاق علیه پاندمی (The Coalition for Epidemic Preparedness Innovations (CEPI))[18] در داووس (Davos) انجامید که بانیان آن مجمع جهانی اقتصاد، سازمان خیریه اعتماد (the Wellcome Trust)، بنیاد بیل و ملیندا گیتس و دولتهای نروژ و هند بودند. وظیفهٔ این سازمان کمک‌رسانی به پروژه‌های تحقیقاتی و تولید واکسن اعلام گردید.

علی‌رغم همهٔ این هشدارها، وقتی دولت ترامپ، پیش از تحویل قدرت از اوباما (۲۰۱۷) پروژه آزمایشی را در واکنش به پاندمی ویروسی به اجرادرآورد[19] و معلوم شد که سیستم درمانی و بیمارستانهای فدرال، به هیچ وجه آمادگی مقابله با پاندمی را ندارند، دولت ترامپ نه تنها وقعی به این هشدارها نگذاشت بلکه عامدانه «تیم آمادگی در قبال پاندمی» را از «واحد امنیت ملی» حذف کرد و حدود ۷۰۰ نفر از متخصص و شاغلین این بخش را اخراج نمود.[20]

در ۲۴ آوریل ۲۰۲۰، روزنامه گاردین مجموعه اسنادی را منتشر کرد دال بر اینکه دولت انگلیس در سال گذشته هشداری در باره شیوع یک پاندمی ویروسیِ خطرناک دریافت کرده بود؛ حتی گفته شد که به مقامات دولتی خبر داده بودند که در صورت وقوع پاندمی، مراکز درمانی فاقد امکانات و تجهیزات کافی خواهند بود.[21]

در سال ۲۰۱۲ انستیوی رابرت کُخ آلمان گزارشی را به پارلمان دولت فدرال تسلیم نمود که در آن ریسک شیوع یک بیماری ویروسی بررسی شده بود. از آنجا که نتیجه این مطالعه بر ناآمادگی سیستم درمانی آلمان تأکید داشت، از دولت خواسته شد تا پیش از آنکه فاجعه‌ای رخ دهد در پی تأمین امکانات و تجهیزات لازم باشد.[22]

حتی شیوع پاندمی ویروسی بقدری جدی، واقعی و حتمی بنظر می‌رسید که حدود دو ماه قبل از شیوع «کووید-۱۹» نشستی با عنوان «رویداد ۲۰۱» در انستیتوی جان هاپکینز، در بالتیمور برگذار گردید (۱۸ اکتبر ۲۰۱۹) تا عواقب و عوارض یک پاندمی ویروسی را بکمک مدلهای کامپیوتری و با استفاده از ویروس کرونا شبیه‌سازی کرده و مورد بررسی قرار دهد.[23] نتایج بدست آمده حاکی از آن بود که در صورت وقوع پاندمی، حدود ۱,۶ میلیون نفر خواهند مُرد.

بعلاوه، ویروس کرونا بقدری برای دولتها و قدرتها جاذب بود که به لابراتوارهای تحقیقاتی‌شان راه پیدا کرد! بنا به گزارشات منتشر شده، حکومت امریکا، طی ۲۰ سال گذشته، بالغ بر ۵۰۰ میلیون پوند روی تحقیقات کرونایی سرمایه‌گذاری کرده‌است. یکی از لابراتوارهای مطالعاتی کرونا، در دانشگاه نورد کارولاین قرار دارد که تحت سرپرستی رالف باریک (Ralph Baric) اداره می‌شود. چندی قبل، او موفق شد تا ضمن دستکاری ژنتیکی ویروس کرونا، آنرا روی موش آزمایشگاهی امتحان کرده و عوارض مشابه با SARS ایجاد کند. نتیجهٔ این تحقیقات در نشریه معتبر Nature چاپ شده‌است.[24]

یک مؤسسه مطالعاتی ویروس کرونا نیز در شهر ووهان چین، در نزدیکی بازاری که شیوع ویروس کرونا از آنجا گزارش شد، وجود دارد. در ۱۴ آوریل ۲۰۲۰، واشنگتن‌پست فاش نمود که مقامات امریکایی از تحقیقات انستیتوی ویروس‌شناسی ووهان خبر داشتند و حتی از آن دیدار کرده و گزارشش را به کاخ سفید فرستاده بودند.[25]

با آنچه که گذشت می‌توان با جرات و صراحت اعلام کرد که پاندمی کووید-۱۹ نه تنها ابدا پدیدهٔ غیرمنتظره، غافلگیرکننده و غریبی برای دولت‌ها و صاحبان سرمایه و قدرت نبود، بلکه عواقب، عوارض و حتی عواید! آن پیشاپیش توسط مدل‌های کامپیوتری پیش‌بینی و محاسبه شده بودند.

۲- علی‌رغم آگاهی از فاجعه، اقدامات پیشگیرانه‌ای به عمل نیامد!

تامین سلامتی مردم، وظیفهٔ دولت‌ها و سازمان‌های ذیربط است. این آنها هستند که سرمایه، قدرت اجرایی و دم‌ودستگاه لازم را در اختیار دارند. در رابطه با پاندمی کووید۱۹ شاهدیم که حکومت چین، دکتر لی و همکارانش را بخاطر اعلام خطر شیوع ویروس کرونا بازداشت می‌کند، مقامات دولتی چین، با شش روز تاخیر، خبرِ شیوع ویروس «سارز-کووی-۲» را به اطلاع عموم می‌رساند[26]، دولت ترامپ، تا مدتها به آن ترتیب اثر نمی‌دهد[27]، دولت انگلیس لاپوشانی می‌کند[28]، «شورای تحقیقات ملی ایتالیا» (NRC) آنرا انکار می‌نماید[29]، رژیم اسلامی ایران، برزیل، السالوادور و دیگران علنا دروغ‌پردازی می‌کنند، ژاپن کشتی تفریحی دایموند پرینسس[30] را بحال خود رها می‌سازد، دولتهای انگلیس، هلند و سوئد، علیرغم توصیه‌های سازمان بهداشت جهانی، استراتژی ایمنی گله‌ای (جمعی) (HerdImmunity) را پیش می‌گیرند؟ ... و خلاصه وزرای دارایی کشورهایی که واحد پول‌شان یورو است (Eurogroup)، در خاتمه نشست ویدئویی‌شان، و پس از بحث حول خطرِ رکود کمرشکن اقتصادی، تصمیم می‌گیرند که مطلقاً هیچ کاری انجام ندهند؟![31] و ...

نتیجتا وقتی پاندمی کووید۱۹ از راه رسید، اکثر جوامع شدیدا آسیب‌پذیر بودند: انگلیس ابدا آمادهٔ مقابله با پاندمی نبود[32]، و پرسنل بیمارستان از کیسه زباله برای حفاظت خود استفاده می‌کردند.[33] در فرانسه، وضعیت بمراتب بدتر بود. در این کشور، در طی ۱۵ سال گذشته، حدود ۷۰ هزار تخت بیمارستانی، بواسطهٔ صرفه‌جویی اقتصادی، ناپدید شده بودند.[34] اعتصاب پزشکان (در اکتبر ۲۰۱۷)[35] و اعتصاب پرسنل بخش‌های اورژانس (۲۰۱۹)[36] با دخالت پلیس و تهدید به اخراج، سرکوب شده بودند. کمبودِ تجهیرات، فشار کاری و نامناسب بودن شرایط کاری، عملا پرسنل درمانی را فرسوده کرده بود.[37] در ایتالیا، در طول ۱۰ سال گذشته، حدود ۳۷ میلیارد یورو از بودجهٔ خدمات بهداشتی کاسته و ۷۰ هزار تخت بیمارستانی از سیستم درمانی ناپدید شده بود.[38] در تحقیقات بعمل آمده در امریکا (۲۰۰۵) ، تامین ۷۴۰ هزار دستگاه کمک تنفسی، برای مقابله با یک اپیدمی ویروسی که با عوارض تنفسی همراه باشد، ضروری اعلام شده بود. تحقیقات انجام شده در ۲۰۱۰ نشان داد که تعداد دستگاه های موجود فقط حدود ۶۲ هزار عدد است! که اینها هم معمولا در میانه فصل آنفلوآنزا مشغولند![39] ... سایر کشورهای اروپایی نیز در وضعیت کمابیش مشابهی قرار داشتند.[40] [41]

در چنین شرایطی، تدابیر بعضی از دولتها (از جمله انگلیس، هلند و سوئد)، اتخاذ سیاستِ مصونیت گله‌ای (جمعی) (Herd Immuninty) بود؛ یعنی بی‌آنکه نیازی به اقدامات بهداشتی-درمانی باشد، به افراد ناقل و بیمار اجازه داده می‌شود تا با رعایت فاصله‌نگه‌داری، به زندگی معمولی ادامه دهند تا بمرور مصونیت باصطلاح گله‌ای کسب شود. بنا به این استراتژی، این مصونیت زمانی بدست می‌آید که بیش از ۶۰٪ جمعیت، عفونت ویروسی بگیرند.[42] با وقوف به

این دادهٔ تئوریک که حدود ۳,۵٪ از مبتلایان خواهند مُرد، رقم کشته‌شدگان ـ که مسلما بخش اعظم آنان را سالمندان، بیماران مبتلا به فشار خون، بیماران ریوی و مبتلایان به ضعف ایمنی، مبتلایان به سرطان و غیره تشکیل می‌دهند ـ دهشتناک خواهد شد![43] تازه اگر فرض را بر این بگیریم که همه چیز طبق نقشهٔ دولتمردان به پیش برود، باید طبق محاسبات‌شان، تخت اورژانس برای حداقل ۲۰٪ جمعیت داشته باشند تا بتوانند از آن ۳,۵٪ محکوم به مرگ پرستاری کنند، در حالیکه بخش مراقبت‌های ویژه (ICU) هیچ کشوری این تعداد تخت را برای این درصد از جمعیتش ندارد![44] نتیجتا معنایش این می‌شود که اتخاذ چنین سیاست مرگباری، به بهای زندگی بسیاری از بیماران و سالمندان تمام خواهد شد!

از این بدتر آنکه، در بعضی از کشورهای اروپایی رسما به بیمارستانها و پزشکان بخشنامه شده تا در شرایط کمبود وسایل درمانی لازم، کار مداوی جوانترها را بر سالمندان ترجیح دهند! یا از قبول و مداوای سالمندان به مراکز درمانی خودداری کنند![45] این سیاست غیرانسانی حتی بی‌آنکه با مقاومت درخوری مواجه شود در رسانه‌های رسمی علنا بازتاب می‌یابد! مثلا جرمی وارنر (Jeremy Warner)، روزنامه‌نگار محافظه‌کار بریتانیا، رسما اعلام می‌کند: "*پاندمی کووید-۱۹ در وهله اول سالخوردگان را می‌کُشد... و این در درازمدت می‌تواند بسیار مفید باشد.*" [46] و یا برنده جایزه نوبل شیمی، میکائیل لویت (Michael Levitt) در دفاع از مصونیت جمعی، تز قربانی کردن سالمندان را معقول و به نفع جامعه اعلام می‌کند.[47]

تا همین امروز نیز که حدود ۴ میلیون نفر به این ویروس آلوده شده‌اند و حدود ۳۰۰ هزار نفر جان باخته‌اند، ولی هنوز اقدامات موثری صورت نگرفته و تنها به قول و قرارها اکتفا شده‌است؛ مثلا در جلسه مجازی (۴ ماه مه ۲۰۲۰) که بدون شرکت امریکا و چین برگذار شد، سران کشورها و نمایندگان سازمان‌ها و بنیادهای بین‌المللی و خیریه متعهد شدند حدود هشت میلیارد دلار برای پیشگیری، تحقیق برای تولید دارو و واکسن و دیگر ملزومات مقابله با شیوع کرونا اهدا کنند و این در حالی‌است که آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد که برای مقابلهٔ موفقیت‌آمیزِ جهانی با شیوع کرونا دست‌کم به پنج برابر پولی که در کنفرانس دوشنبه وعده شده نیاز است.[48]

جا دارد گفته شود که از حدود ۱۱۴ شرکت و انستیتویی که در تهیه واکسن علیه «سارز-کووی ـ۱۹» شرکت کرده‌اند، ۱۳ واکسن تا بحال به مرحله آزمایش رسیده‌اند که تنها ۳ نمونه برای فاز اول (مطالعه انسانی محدود) اجازه دریافت کرده‌اند.[49]

با این توضیحات روشن است که دولتها و نهادهای مسئول نه تنها قصور کردند بلکه با کاستن از بودجه‌های درمانی و اتخاذ سیاست‌های غیرانسانی عملا بر دامنهٔ ابتلا و مرگ ناشی از پاندمی کووید۱۹ افزودند. البته واکنش دولت‌های

مختلف نسبت به خبر شیوع پاندمی کووید۱۹ یکسان نبود و از انکار، نادیده‌انگاری، کوچک‌شماری، لاپوشانی، دروغگویی و ... تا مداخلهٔ بموقع، قرنطینهٔ میلیونی، پرداختِ بسته‌های غذایی و کمک‌های مالیِ دست‌ودل‌بازانه را شامل می‌شد. اقدامات دولت‌های مختلف، در مقابله با پاندمی کووید۱۹ را می‌توان در لینک ویژهٔ سازمان جهانی کار مورد بررسی و قضاوت قرار داد.[50]

البته باید بخاطر داشت که دولت در سیستمِ کاپیتالیستی، نماینده و حافظِ منافع سرمایه‌داران است و آرایش و حتی عملکرد موجه‌تر آن، در اینجا و آنجا، تابع عوامل مختلف، از جمله توازن قوای طبقاتی و چشم‌اندازی بوده و هست که برای تضمین منافعِ درازمدتش دارد.

با این حال، بخش اعظم تحلیل‌گرانِ چپ، اهمال و ناآمادگی دولت‌ها را پیامد منطقی و اجتناب‌ناپذیر سیاستهای نئولیبرالیستیِ دولتهای بورژوایی و پاکت‌های ریاضتی‌شان ارزیابی کرده‌اند[51] و حتی درجهٔ ناآمادگی دولت‌ها برای مقابله با پاندمی کووید۱۹ را با درجهٔ رویکرد این دولت‌ها به سیاست‌های نئولیبرالیستی توضیح داده‌اند. نمونه این تفکر را می‌شود در نزد دیوید هاروی[52]، نوام چامسکی[53]، چارلز دوناوی[54] و خیلی‌های دیگر دید.

یکی از کسانی که با ارجاع به ادلهٔ تاریخی تلاش کرده تا علتِ رویکردِ آگاهانهٔ دولت‌ها و سرمایه‌های بزرگ را به چنین سیاستی توضیح دهد، نائومی کلاین نویسنده کتاب « دکترین شوک، ظهور سرمایه‌داری فاجعه» است.[55]

دکترین شوک و شوک درمانی

برای آشنایی با این نظریه باید کمی به عقب برگردیم؛ در دهه پنجاه میلادی، در امریکا و کانادا، سازمان سیا (CIA) پروژه‌های تحقیقاتی وسیعی را به سرپرستی دکتر دونالد ایون کامرون[56] بمنظور ذهن‌شویی، مهندسی فکری و استخراج اطلاعات محرمانه از زندانیان سیاسی و یا باصطلاح جاسوسان آغاز کرد. در این پروژه که تحت پوشش درمان افسردگی و اختلالات روان‌پریشی زندانیان صورت می‌گرفت از داروهای شیمیایی، بیولوژیکی و رادیواکتیو، آنهم در دوزهای بسیار بالا استفاده می‌شد.[57] گفته می‌شود که بیش از ۸۰ دانشگاه (در امریکا و کانادا)، ۱۲ بیمارستان و مرکز بهداشتی-درمانی و ۱۵ شرکت تولید دارویی به همراه ۱۸۵ دانشمند در این پروژه شرکت داشتند! اسناد مربوط به این پروژه را می‌توان در «آرشیو دفاع ملی امریکا»[58] و گزارشات روزنامه‌نگارانی چون جفری ریچلسون[59] ملاحظه نمود.

در دهه هفتاد، این پروژه مورد توجهٔ میلتون فریدمن[60] قرار گرفت. او تصمیم گرفت تا تجارب سازمان سیا و دکتر کامرون را در عرصه اجتماعی بکار ببندد. استدلالش نیز این بود که اگر شوک[61] قادر است تا قوای فکری فرد را مختل کند و از طریق ایجاد وحشت، نگرانی، اغتشاش ذهنی و بهم‌ریختگی روانی، فرد را به سازش و تسلیم وادارد، پس در جامعه، و در مقیاس بزرگتر نیز باید به نتایج مشابهی بیانجامد. یعنی اگر فجایع طبیعی (مثل سونامی، سیل، زلزله،

جنگ و دربدری، حملات تروریستی و بحرانهای اجتماعی و اقتصادی) در چنان ابعاد شوک‌آوری ظاهر شوند ـ یا ظاهرسازی گردند! ـ که بتوانند آگاهی و هشیاری جمعی را مختل کنند و جامعه را در رعب، نگرانی و هراسِ فلج‌کننده قراردهند، آنوقت می‌شود اقدامات عمیقا رادیکالی را در جهت حمایتِ بیشتر از طبقه حاکم و گردش و انباشت سرمایه سازمان داد!

در اواسط دهه ۱۹۷۰، میلتون فریدمن، بعنوان مشاور ژنرال آگوستو پینوشه انتخاب شد تا این ایده را در شیلی به اجرا درآورد![62] بعبارت دیگر فریدمن ماموریت یافت تا روش «شوک درمانی» دکتر کامرون را از کلینیکِ درمانی به آزمایشگاه شیلی! منتقل کند و آنرا با هدف مهندسیِ افکارِ جمعی، در جهت کارکرد بهتر سیستم اقتصادی بازار آزاد و تقویت مبانی کاپیتالیسم به مرحلهٔ اجرا بگذارد.

به این ترتیب، پروژهٔ شوک درمانی (یا شکنجه جسمی-روانی) از یک سو علیه زندانیان سیاسی، و از دیگر سو، علیه مردمِ شیلی به اجرا گذاشته شد. نتایج بدست آمده از این باصطلاح تحقیقات، سرمنشاء سیاست اقتصادی شاگردان فریدمن (Chicago Boys) شد که تا پنج دهه به سیاست اقتصادی غالب دولت‌ها در امریکا و اکثر کشورهای جهان بدل گردید.

نائومی کلاین در کتاب «دکترین شوک، ظهور سرمایه‌داری فاجعه» نمونه‌های تاریخی فراوانی را از نقاط مختلف کرهٔ زمین نقل می‌کند که افشاگرِ شیوه‌های بهره‌برداری دولتهای نئولیبرالیست از بحران‌ها هستند.

«آنطوریکه من کاپیتالیسم فاجعه (Disaster Capitalism) را تعریف می‌کنم، واقعا ساده و سرراست است: یعنی توضیحِ شیوه‌ای که با توسل به آن صنایع خصوصی به سودبری مستقیم از بحران‌های بزرگ می‌پردازند. پدیدهٔ سودبری از فاجعه و سودبری از جنگ مفاهیم جدیدی نیستند، اما در دوره بوش و پس از ۱۱ سپتامبر واقعا عمق پیدا کردند.»[63]

«من چگونگی این رخداد را پس از طوفان گردوباد کاترینا توضیح دادم. اتاق‌های فکری واشنگتن مثل بنیاد هریتیج (Heritage Foundation) جلسه گذاشتند و لیستی از مطالباتی را که به طرفداری از بازار آزاد بودند، بعنوان راه‌حلِ کاترینا ارائه کردند. با اطمینان می‌توانیم بگوییم که دقیقا جلسات مشابهی در موقعیت کنونی نیز برگذار خواهد شد. در واقع کسی که ریاست گروه کاترینا را بعهده داشت مایک پنس [معاون ترامپ] بود. در ۲۰۰۸ دیدید که این بازی در رابطه با نجات بانک‌ها انجام شد، یعنی همان هنگامی که کشورها چک‌های سفید را بدست بانک ها دادند، که سرانجام به چند تریلیون دلار بالغ شد. اما هزینه واقعی

آن بحران در قالب پاکت ریاضتی (که بعدتر با زدن از هزینه خدمات اجتماعی همراه بود) ظاهر شد. بنابراین مسئله فعلا فقط اتفاقات درحال وقوع نیستند بلکه نحوه پرداخت همه آن هزینه‌هایی است که در پایان کار صورتحساب‌شان خواهند رسید!» [64]

مسلما کمی زود است تا لیستی از سودوزیان‌هایی که سرمایه‌های بزرگ در سایۀ پاندمی کووید۱۹ متحمل شدند، بدست داد. اما تنها به چند مورد اشاره می‌شود.

۱- پروژه احداث خط لوله کی‌ستون (Keystone XL) که قرار بود نفت خام را از آلبرتای کانادا به نبراسکای امریکا منتقل کند و سالها بود که بواسطه اعتراضات وسیع مردم امریکا و کانادا متوقف شده بود، در جریان بحران کرونایی منعقد شد. شرکت TC Energy که قرار است طرح را به اجرادرآورد اعلام کرد که کار را بزودی شروع خواهد کرد. این خط لوله که ۱،۹۴۷ کیلومتر طول خواهد داشت، ظرفیت آلبرتا برای انتقال نفت خام را به ۸۳۰،۰۰۰ بشکه در روز خواهد رساند.[65]

این پروژه علاوه بر آلودگی‌هایی که برای محیطزیست به همراه خواهد داشت، موجب خواهد شد تا سطح مزد و خدمات اجتماعی اهالی آلبرتا رو به کاهش بگذارد. دلیلش هم این است که ایالت آلبرتا مبلغ زیادی به منظور راه‌اندازی این پروژه به شرکت خصوصی یادشده کمک کرده که این مبلغ احتمالا از محل بودجه‌های خدماتی، بهداشتی و ... تامین خواهد شد.[66]

۲- دولت کرواسی از موقعیت بحران کرونایی استفاده کرده تا یک تاسیسات دفن زباله رادیواکتیو را در نزدیکی مرز بوسنی هرزوگوین تاسیس کند. این طرح سالها بود که بدلیل اعتراضات وسیع توده‌ای بحال تعلیق درآمده بود.[67] در لینک حاضر به نمونه‌های بیشتری اشاره شده است.

بعلاوه خصوصی‌سازی‌های وسیعی در اکثر کشورهای اروپایی و امریکا در جریان است که اخبارش بمرور منتشر می‌شوند. جالب اینجاست که در اوج پاندمی کووید۱۹ که اسپانیا بیمارستانهای خصوصی را موقتا ملی اعلام می‌کند، این خبر هم درز کرد که دولت سوئد، بیمارستان بروّما را به گروه والنبری، بزرگترین کنسرن سوئدی، فروخت.[68]

نائومی کلاین در واکنش به اقداماتی که نمونه‌وار بدانها اشاره شد می‌گوید:

« آن‌ها خودشان هم اینطور فکر نمی‌کنند که این اقدامات را بمنظور کاستن از عوارض و مشکلات کرونا می‌کنند؛ بلکه این ایده‌ها و برنامه‌ها از قبل وجود داشته و هم‌اکنون شرایط را برای اجرای برنامه هایشان مناسب می‌بینند.» [69] [70]

پاندمی کووید۱۹ و اقتصاد

بکرات گفته می‌شود که شیوع ویروس کرونا اقتصاد جهان را ورشکست کرد. اما کدام اقتصاد؟ برای ترامپ و هم‌طبقه‌ای‌هایش، اقتصاد یعنی بانک، سهام و بازار بورس! و برای اردوی کار، اقتصاد یعنی معاش، مزد، بیمه بیکاری، حقوق بازنشستگی... و تامین اجتماعی! کدامیک ضربهٔ سنگین خورده است؟

الف- اقتصاد اردوی کار

این بحران تاکنون تاثیرات بیرحمانه‌ای بر حیات فردی و اجتماعی توده‌ها گذاشته‌است. اولا به لطف سیاست‌های درمانی دولت‌های بورژوایی، بیشترین تلفات جانی را از آنان گرفته و ثانیا، بزرگترین فشار اقتصادی-اجتماعی-سیاسی را به آنان تحمیل کرده‌است. نهادهای وابسته به سازمان ملل پیش‌بینی می‌کنند که پاندمی کرونایی ۲۵۰ میلیون نفر را به مرز گرسنگی و فقر مطلق خواهد کشاند.[71] بنا به گزارش «سازمان بین‌المللی کار» بیش از ۱،۵ میلیارد کارگر که عموما شهروند کشورهای عقب‌نگه‌داشته هستند، هم اکنون در شرایط وخیم اقتصادی قرار دارند.[72] حدود ۳۰۵ میلیون موقعیت شغلیِ تمام وقت از بین‌رفته‌است.[73] و شاغلین این حوزه‌ها همه به صفوف ارتش ذخیره کار و اردوی بیکاران رانده شده‌اند.

بعلاوه پاندمی کووید۱۹ دستاویزی شد تا دولت‌ها و کارفرمایان هر طور که بنفع‌شان است با کارگران رفتار کنند و بجای قوانین کار و قراردادهای دسته‌جمعی، قانون دلبخواهی خود را مقرر سازند. این امر بویژه در آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی دیده می‌شود که به لطف پاندمی کووید۱۹ رونق گرفته‌اند. کنفدراسیون اروپائی اتحادیه های کارگری (ETUC) مواردی از این دست را در صفحهٔ مخصوصی که به این منظور در سایت خود دایر کرده، گزارش می‌کند.[74]

در امریکا، روزنامه واشنگتن پُست (در ۲۳ آوریل ۲۰۲۰) خبر داد که یکی از کارخانه‌های تولید ماسک و تجیهزات بیمارستانی در پنسیلوانیا بمدت ۲۸ روز از خروج کارگران از کارخانه ممانعت کرده است. کارگران در درون کارخانه می‌خوردند، می‌خوابیدند و ۱۲ ساعت در روز کار می‌کردند. بهانه‌ای که برای اعمال چنین شرایطی ارائه می‌شد، پیشگیری از آلودگی احتمالی آنان به ویروس کرونا بود!

در کانادا، کارگیل (Cargill) بزرگترین شرکت بسته‌بندی گوشت، واقع در جنوب کالگاری، با ۲۰۰۰ کارگر که ۹۴۹ نفرشان عفونت کرونایی گرفته و تست آنتی‌بادی‌شان مثبت بود، همچنان مجبورند به سر کار بروند؛ این در حالی‌است که یک زن کارگر ۶۷ ساله به نام Hiep Bui در اثر ابتلا به «کووید۱۹» مرده است. علی‌رغم این کارفرما، محل کار را «ایمن» تعریف کرده و حاضر به تعطیل کارخانه نیست.[75]

بعلاوه، پاندمی کرونایی و بدی اوضاع اقتصادی این فرصت را به کارفرمایان داد تا بخش زیادی از پرسنل را اخراج کنند که ارقام فزایندهٔ آن هر روز در رسانه‌ها منتشر می‌شود.[76]

نمونه‌های مشابه، از کشورهای مختلف، در سایت‌های خبریِ آلترناتیو بوفور یافت می‌شود.

ب- اقتصاد اردوی سرمایه

تردیدی نیست که تعطیل‌شدن بسیاری از فعالیتهای اقتصادی، از بین‌رفتن مشاغل فراوان و ... بحران اقتصادی پیشاپیش موجود را عمق و وسعت تازه‌ای بخشید. از دودشدن میلیاردها دلار در بازرا بورس می‌گویند بی‌آنکه سخنی از ماهیت این ثروت و هویت طبقاتی صاحبان این ثروت‌های افسانه‌ای بگویند! برای درک بهتر موضوع، یادآوری چند نکته ضروری است:

۱- راب اوری (ROB URIE) در مقاله افشاگرانه‌اش خاطرنشان می‌کند که ۹۳٫۳٪ بورس بازار سهام در دست ۲۰٪ از ثروتمندان جهان است و حدود ۷٪ باقی بین سایر طبقات تقسیم می‌شود؛ بنحویکه بیش از نیمی از مردم جهان فقط ۱٫۵٪ از بورس جهانی را در اختیار دارند![77] تازه ۸۰٪ از سهام‌هایی هم که در اختیار ۲۰٪ از ثروتمندان است، در تملک صرفا ۱٪ شان هست!

بنابراین، این همه هیاهو و دل‌نگرانی برای ضرر و زیان آن ۲۰٪ (یا یعبارت بهتر آن ۱٪) است که در جزایر وسط اقیانوس آرام آرامش گزیده‌اند و آفتاب می‌گیرند، یا با هواپیمای جت اختصاصی به نیوزلند گریخته‌اند![78] پاکت‌های حمایتی نیز برای جبران ضرر و زیان همان‌هاست؟![79]

۲- تازه اینان بخاطر باخبربودن از وقوع فاجعه، با خرید و فروش بموقع سهام، نه تنها متضرر نشدند بلکه پول‌های هنگفت به جیب زدند! در همین رابطه تابحال اسم ۵ سناتور و ۲۰ نماینده مجلس نمایندگان آمریکا افشا شده است.[80]

۳- سقوط قیمتِ سهامِ بعضی از صنایع، بهترین فرصت را برای سرمایه‌های بزرگ فراهم کرد تا هم سرمایه‌های کوچکتر را بخورند و هم با خرید سهام‌شان ـ به قیمت بسیار ارزان ـ رقبای اقتصادی‌شان را از میدان بدرکنند. آنها حتی

با جابجاکردن سرمایه‌ها در شاخه‌های مختلف تجاری، سقوط و صعود ساختگی در بازار بورس ایجاد می‌کنند و حتی با خرید سهام خودی، آنهم به قیمت بسیار گرانتر، بازار بورس را در جهت دلخواه‌شان هدایت می‌کنند![81]

۴- به گزارش بی.بی.سی، در همین دوره چندماههٔ پاندمی کرونایی، جف بزوس، صاحب شرکت آمازون، ۲۴ میلیارد دلار ثروتمندتر شده! و بهای سهام این شرکت به بالاترین حد ممکن رسیده است![82] و این در حالیست که این شرکت در سال گذشته علی‌رغم سود میلیاردی، مالیاتی پرداخت نکرد و مسلما امسال نیز بخاطر بحران کرونایی نه تنها از مالیات معاف خواهد شد بلکه پاکت حمایتی دریافت خواهد نمود![83]

۵- علی‌رغم بیکاری فزاینده، برخی از شاخه‌های اقتصادی با کمبود نیروی کار روبرو هستند. برای مثال شرکت آمازون با حدود ۸۰۰ هزار کارگر، در ماههای اخیر حدود ۱۰۰ هزار کارگر جدید را بطور موقت استخدام کرده و درنظر دارد ۷۵ هزار نفر را بزودی موقتا استخدام کند.[84]

۶- پاندمی کوویدـ۱۹ سبب شد تا سرمایه از بعضی حوزه‌های اقتصادی و بعضی شاخه‌های تجاری، به حوزه‌ها و شاخه‌های جدیدِ سرمایه‌گذاری نقل مکان دهد. یعنی در همان روزهایی که در تبلیغات رسانه‌ای از ورشکستگی‌اقتصاد و سقوط بازار بورس می‌گفتند، بازار معاملات داغ داغ بود! برای مثال کنسرن بزرگ چینی فوسون (Fosun) ۱۲۰ میلیون یورو در شرکت دارویی بایونتک (Biontech) آلمان سرمایه‌گذاری کرد و ۰,۷٪ سهام این شرکت را به مبلغ ۴۴ میلیون یورو خرید! و همین باعث شد تا بهای سهام Biontech در ماه مارس سه برابر شود![85]

نمونه دیگر، شرکت دارویی هایدلبرگ فارما (Heidelberg Pharma) است که سهام‌دار عمده‌اش میلیاردری به نام دیتمار هوپ است. سهام این شرکت پس از شروع همکاری با شرکت دارویی اسرائیلی به نام ردهیل بیفورما (Red Hill Biopharma) سه برابر شد![86]

در انگلستان، مجله پرایویت آی (Private Eye) گزارش داد که «هج فاند»[87] (hedge funds) لندن، در هفته‌های اخیر، از طریق شرط‌بندی روی قیمت سهام‌های در حال سقوط، میلیونها به جیب زده‌است. یکی از این‌ها اُدی آست مانیجمنت (Odey Asset Management) است که توسط یک مولتی میلیونر بنام کریسپین اُدی (Crispin Odey) که داماد سابق راپرت مُرداخ (Rupert Murdoch) و حامی اصلی بوریس جانسون و برگزیت است اداره می‌شود.[88]

و ... اینها همه در حالی بود که بوق و کرنای سقوط سهام و کسادی بازار بورس، گوش فلک را کر کرده بود!

۷- علی‌رغم کسادی در بعضی از صنایع و شاخه‌های تجاری، شاهد رونق صنایع تولید مواد غذایی، دارویی، ایمنی و خدمات اینترنتی و ... بودیم. قیمت مواد بهداشتی و دارویی بطور تصاعدی افزایش یافت، انبارهای پرشده از جنس‌های فاقد خریدار (اضافه تولید) تخلیه شدند، خط تولید در بعضی صنایع بلافاصله عوض شد و تولید کالاهای مورد نیاز آغاز گردید؛ برای نمونه صنایع خودروسازی شروع به تولید ماسک و دستگاه کمک تنفسی کرده‌اند[89] سفارشات دریافت شده توسط شرکت درگرورک (Drägerwerk) در شهر لوبک آلمان، در سه ماهه اول امسال نسبت به سال گذشته دو برابر بود. استفان درگر، رئیس این شرکت در مصاحبه‌ای به اشپیگل می‌گوید:

«تقاضا برای دستگاه‌های تنفس مصنوعی به حدی است که می‌توانیم ده برابر بیشتر از این تولید کنیم. همچنین تقاضا برای ماسک آنقدر زیاد است که می‌توانیم به راحتی صدها برابر بیش از قبل فروش داشته باشیم.»[90]

سهام این شرکت از ابتدای سال جاری ۷۵ درصد افزایش یافت. لیست اسامی سایر شرکتهای آلمانی که در طی باصطلاح ورشکستگی اقتصادی، رونق گرفتند را می‌توانید در سایت دویچه‌وله فارسی بخوانید! اطلاعات مشابه از آمریکا و سایر کشورها نیز در اینترنت قابل دسترس است.

۸- بقول گاردین: "*درحالیکه اکثر ما نگرانیم که آیا دستمال توالت کافی داریم؟ وآیا می‌توانیم کارمان را از خانه انجام دهیم؟ دیگرانی که وسیله و امکانش را دارند برنامه‌های دیگری ترتیب می‌دهند*"[91] بعد به نقل از آدام تویدل مدیر اجرایی شرکت پرایوت فلای که مسئولیت رزرو هواپیمای جت برای مشتریان خصوصی را عهده‌دار است، می‌نویسد که این شرکت زیر تقاضاهای شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌دارها غرق شده‌است! آنها هواپیمای جت را دربست اجاره می‌کنند تا با دورنگه‌داشتن خود و خانواده شان از دیگران، ریسک ابتلا به کووید۱۹ را کاهش دهند.

گاردین می‌افزاید: "*تعداد پرواز جت‌های خصوصی از هنگ‌کنگ به استرالیا و امریکای شمالی، تنها در ماه ژانویه ۲۱۴ ٪ نسبت به سال گذشته در همین ماه افزایش داشته است.*"[92]

۹- تازه، آنچه هم که در بازار بورس دود شد و به هوا رفت، سرمایه موهومی بود![93] یعنی پولی که فاقد پشتوانهٔ واقعی در ثروت اجتماعی است و به همین دلیل، دائما حباب‌آفرینی می‌کند! برای نجات همین سرمایه و برای نجات صاحبان این سرمایه نیز هست که شرایط جنگی اعلام کرده‌اند! و با ادبیات نظامی، در حال توصیف جبهه و آرایش نیرو هستند!

جمع‌بندی

۱- شیوع پاندمی ویروسی پدیده‌ای آشنا، تکراری و پیش‌بینی شده بود. چنین فجایعی در آینده نیز رخ خواهند داد. پاندمی‌های ویروسی و زونوتیک‌ها آمده‌اند تا بمانند. اینها عوارض توسعه کاپیتالیستی و الگوهای زندگی مصرفی هستند؛ اینان در خود بحران‌زا نیستند و با سیاست‌های پیشگیرانه می‌توانند بسادگی کنترل شوند.

ویروس «سارز-کووی ۲-» ابدا جدید نبود! این خانواده از ویروس –با عوارض تقریبا مشابه تنفسی- از ۲۰۰۲ شناخته شده بود. خطر شیوع آن هم بکرات هشدار داده شده بود، با این همه نه واکسنی تولید شد، نه اقدامات پیشگرانه‌ای بعمل آمد و نه تدارکاتی برای رسیدگی به مبتلایان اندیشیده شد.

۲- دولت‌ها، مسئولان دولتی و سیستمی که شرایط شیوع این پاندمی را ممکن کردند و زمینه را برای چنین کشتار وحشیانه و چنین بحران اجتماعی فراهم کردند، مسئول و مقصرند.

۳- پاندمی کرونایی این فرصت را به اردوی سرمایه داد تا خود را با توسل به تاکتیک‌های مختلف، ترمیم و بازآرایی کند؛ فرصتی که برایش «برکت» است! به همین خاطر هم است که کاپیتالیسم، علی‌رغم بحران‌های زیادی که تاکنون از سر گذرانده، همچنان سرپا مانده و سرمایه‌داران بمراتب از پیش ثروتمندتر شده‌اند.

۴- تهیه واکسن، دارو و تدارک دیدن تجهیزات لازم و کافی برای یک پاندمی ویروسی ابدا پیچیده‌تر از تولید و تدارک تسلیحات پیچیدهٔ میلیتاریستی نبوده و نیست! پاندمی کووید۱۹ باردیگر نشان داد که هرجا منافع طبقهٔ حاکم و انحصارات بزرگ ایجاب نکند، همه توانمندی‌ها، فن‌آوری‌ها و دستاوردهای علمی، عاجز و ناکارآمد می‌شوند!

۵- پاندمی کرونایی کلیهٔ تمایزات، اختلافات، نابرابریها، تبعیضات و تضادهای اجتماعی را رو کرد و به شکلی عریان به نمایش گذاشت و تلاش کاپیتالیست‌ها و دولت‌های بورژوایی برای هم‌منفعت جلوه‌دادن‌شان با توده‌ها، و جازدن منافع خودشان بجای منافع عموم، روزبه روز بیشتر افشا شد![94] البته اثبات این ادعا جای بحث دیگری می‌طلبد.

۶- برون رفت از بحران حاضر، مستلزم زیربارِ قرض رفتن بیشتر دولت‌هاست که پیشاپیش زیربار قرض سنگینی قراردارند! بحران پساکرونایی، «بحران بدهی» خواهد بود؛ همان بحرانی که در سال ۲۰۰۸ موسسات مالی جهان را به ورطهٔ ورشکستگی کشاند. پیامدهای این یکی نیز ش از پیش روشن است: پاکت‌های ریاضتی، فروش ثروت ملی و واگذاری کلیه خدمات دولتی به بخش خصوصی! ضمنا سرمایه‌ها و قدرت‌های بزرگتر، برای نجات خود از بحران، وحشیانه‌تر بجان ضعیف‌تر خواهند افتاد! اینجا می‌شود فهمید که چرا در تمام سالهای گذشته، از بودجه بهداشت و درمان زدند و همه را خرجِ تقویت بنیهٔ میلیتاریستی خود و دستگاههای سرکوبگرشان کردند![95]

جدول شماره ۱

اسم	دوره زمانی (میلادی)	نوع بیماری، عامل و میزیان	شمار کشته شدگان
طاعون آنتونین Antonine Plague	165-180	؟	۵ میلیون
طاعون ژوستینین Plague of Justinian	541-542	عامل آن باکتری یرسینیاپستیس (Yersinia pestis) و ناقلش موش و کک بودند	۳۰ – ۵۰ میلیون
اپیدمی آبله ژاپنی Japanese smallpox epidemic	۷۳۷-۷۳۵	ویروس واریولای ماژور (Variola major virus) عامل آن بود	۱ میلیون
مرگ سیاه یا طاعون سیاه Black Death	1347-1351	عامل آن باکتری یرسینیاپستیس (Yersinia pestis) و ناقلش موش و کک بودند	۲۰۰ میلیون
آبله	از ۱۵۲۰ تاکنون	ویروس واریولای ماژور (Variola major virus) عامل آن بود	56 میلیون
طاعون لندن	1665	عامل آن باکتری یرسینیاپستیس (Yersinia pestis) و ناقلش موش و کک بودند	۱۰۰ هزار
طاعون ایتالیایی	1629-1631	عامل آن باکتری یرسینیاپستیس (Yersinia pestis) و ناقلش موش و کک بودند	۱ میلیون
پاندمی وبا[96] ـ تابحال حدود ۱۰ بار تکرار شده. اولین آن ۱۸۱۷ و آخرینش در یمن گزارش شد (۲۰۱۷-۲۰۲۰).	۱۹۲۳-۱۸۱۷	عامل آن باکتری ویبریو کُلرا (*Vibrio cholerae*) است	بیش از ۱ میلیون (فقط در شش بار اول)
طاعون سوم Third Plague	۱۸۸۵	عامل آن باکتری یرسینیاپستیس (Yersinia pestis) و ناقلش موش و کک بودند	۱۲ میلیون
تب زرد Yellow Fever	اواخر دهه۱۸۰۰	عاملش ویروس و ناقلش پشه بود	۱۰۰-۱۵۰ هزار در امریکا
آنفلوآنزای روسی	۱۸۹۰-۱۸۸۹	عاملش ویروس H2N2 و ناقلش پرندگان بودند	۱ میلیون
آنفلوآنزای اسپانیایی	۱۹۱۹-۱۹۱۸	عاملش ویروس H1N1 و ناقلش خوک بود	چهل تا ۵۰ میلیون
آنفلوآنزای آسیایی	۱۹۵۸-۱۹۵۷	عاملش ویروس H2N2	۱,۱ میلیون
آنفلوآنزای هنگ‌کنگی	۱۹۷۰-۱۹۶۸	عاملش ویروس H3N2	۱ میلیون
ایدز HIV/AID	- ۱۹۸۱	عاملش ویروس و ناقلش شامپانزه بود	۲۵ -۳۵ میلیون
آنفلوآنزای خوکی Swine Flu	۲۰۱۰-۲۰۰۹	عاملش ویروس H1N1 ناقلش خوک	۲۰۰ هزار
سارز	۲۰۰۳-۲۰۰۲	عاملش ویروس کرونا ناقلش خفاش و زباد	۷۷۰ هزار
ابولا	۲۰۱۶-۲۰۱۴	ویروس ابولا و ناقل آن جانوران وحشی مختلف	۱۱ هزار
مرس	-۲۰۱۵	ویروس کرونا و ناقل آن خفاش و شتر	۸۵۰ نفر
کووید-۱۹	-۲۰۱۹	ویروس کرونا و ناقل ان ناشناخته (احتمالا pangolin مورچه خوار پولک دار	؟

به نقل از مقاله نیکولاس لِپن Nicholas LePan با نام Visualizing the History of Pandemics مورخ چهارده مارس ۲۰۲۰.

---

[1] لینک دسترسی

[2] برای آشنایی بیشتر با این مضمون که بحران اخیر ربطی به ویروس کرونا ندارد به مقاله تقصیر ویروس بود مراجعه کنید.

[3] این نگرش غالب‌ترین و معمولترین تفسیر رسانه‌های رسمیِ بورژوایی از پاندمی کووید_۱۹ است که در تحلیل‌های اقتصادی-سیاسی باصطلاح اقتصاددانان راست بازتاب زیادی یافته است. نمونه فارسی‌اش را می‌توانید در نقطه‌نظرات موسی غنی‌نژاد بخوانید.

[4] Zoonosis یا زونوزیس به بیماری گفته می‌شود که بین حیوانات مهره‌دار و انسان قابل انتقال هستند و zoonotic به آن عوامل حیوانی گفته می‌شود که پس از انتقال به انسان بیماریزا می‌شوند.

[5] یکی از کسانی که در این زمینه کار کرده و کتاب و مقالاتی منتشر کرده راب والاس است. برای آشنایی بیشتر با رابطه کشاورزی و دامپروری صنعتی با شیوع بیماریهای ویروسی و میکروبی می‌توانید به مصاحبه راب والاس مراجعه کنید. کشاورزی سرمایه‌دارانه و کووید ۱۹: یک ترکیب مرگبار

[6] Zoonotic disease: emerging public health threats in the Region

[7] The COVID-19 pandemic has introduced us to a new word: Zoonosis (Op-Ed)

[8] متن کامل این مصاحبه خواندنی: The most important lesson of the 1918 influenza pandemic

[9] (*TED*) *Technology, Entertainment, Design* یک همایش جهانی است که توسط بنیاد غیرانتفاعی ساپلینگSapling با ایدهٔ گسترش ایده‌های بدیع برگزار می‌شود. این همایش از ۱۹۹۰ شروع شد. به سخنرانان ۱۸ دقیقه فرصت داده می‌شود تا ایده‌های شان را ارائه کنند. لینک دسترسی به اطلاعات بیشتر.

[10] این سخنرانی با زیرنویس فارسی هم موجود است. از منوی زیر ویدئو زبان فارسی را انتخاب کنید. لینک دسترسی

[11] The Doctor Who Helped Defeat Smallpox Explains What's Coming

[12] *Epidemics and Society: From the Black Death to the Present, by Frank M. Snowden*

[13] ایزاک چاتینر مصاحبه‌ای با فرانک اسنودن در رابطه با پاندمی کرونایی انجام داده که خواندنی است. لینک دسترسی به ترجمه فارسی.

[14] The Monster at Our Door: The Global Threat of Avian Flu, By Mike Davis,

[15] Mike Davis on pandemics, super-capitalism and the struggles of tomorrow

[16] هشدار بیل گیت با بیش از ۲۲ میلیون بیننده. لینک دسترسی

[17] لینک دسترسی به سخنرانی بیل گیتس با زیرنویس فارسی

[18] لینک مستقیم به سایت این سازمان.در اینجا می‌توانید از تاریخچه تاسیس آن تا پروژه‌ها و بودجه‌هایی که تخصیص داده باخبر شوید. در واقع بنیاد گیتز با وقف ۷۵۰ میلیون دلار به این سازمان آنرا راه اندازی کرد.

[19] In 2017, Obama officials briefed Trump's team on dealing with a pandemic like the coronavirus. و The Obama White House Warned Trump In 2017 About A Potential Global Pandemic

[20] Hiring Freeze Leaves Nearly 700 Jobs Unfilled At CDC

[21] Revealed: UK ministers were warned last year of risks of coronavirus pandemic و What does the leaked report tell us about the UK's pandemic preparations?

[22] Coronavirus outbreak: The German government was warned of the dangers of a looming pandemic and did nothing

[23] Event 201

[24] این مقاله در سال ۲۰۱۵ با عنوان « A SARS-like cluster of circulating bat coronaviruses shows potential for human emergence » چاپ شد.

[25] لینک دسترسی

[26] به نقل از آسوشیتدپرس China didn't warn public of likely pandemic for 6 key days

[27] آمریکا از روز نخست به اطلاعات مربوط به ویروس کرونا دسترسی داشت

[28] گاردین: انگلیس سال گذشته از همه‌گیری کرونا مطلع بود

[29] به نقل از مقاله جورجو آگامبن: وضعیت استثنائی کرونایی

[30] چگونه کرونا به کشتی کروز با ۳۷۱۱ مسافر و خدمه نفوذ کرد؟ و ویروس کرونا؛ انتقاد فزاینده از تدابیر ژاپن در کشتی تفریحی

[31] Europe Divided Over Coronabonds

[32] به نقل از گاردین UK coronavirus deaths: don't forget that this was preventable 10,000

[33] چرا کادر درمانی بریتانیا از کیسه زباله برای حفاظت خود استفاده می‌کنند؟

[34] France's COVID-19 failures are the result of decades of austerity

[35] به نقل از لیبراسیون ۹-۱۰-۲۰۱۷. لینک دسترسی

[36] به نقل از لپاریسین۱۳ و ۱۹ ژوئن ۲۰۱۹. لینک دسترسی و لینک دسترسی

[37] شرح ماجرارا می‌توانید در کتاب حاضر دنبال کنید.

[38] کرونا، تراژدی فراموش‌شدگان در ایتالیا

[39] به نقل از بی بی سی. کابوس آمریکا تعبیر می‌شود

[40] مثلا در اکثر کشورهای عضو اروپای مشترک، از تعداد تخت بیمارستانی و تخت‌های بخش مراقبت‌های ویژه کاسته شد. Healthcare resource statistics – beds

[41] The variability of critical care bed numbers in Europe

[42] Chief scientific adviser wants 40million Britons – 60 percent of the entire population – to catch coronavirus for herd immunity to take effect

[43] البته درصد مرگ و میر کووید-۱۹ هنوز دقیقا معلوم نیست. کشورهای مختلف آمار مختلفی ارائه کرده‌اند. اما WHO آنرا ۳٫۴٪ اعلام کرده است. لینک دسترسی یعنی اگر کشوری X (مثلا ۱۰۰ هزار نفر) جمعیت داشته باشد برای مصونیت جمعی باید X ضربدر ۶۰٪ (مثلا ۶۰ هزار نفر) آلوده شوند؛ و حداقل X ضربدر ۶۰٪ ضربدر ۳٫۴٪ بمیرند (مثلا ۲۰۴۰ نفر). بعبارت دیگر اگر جمعیت هر کشوری را ضربدر0,0204 کنید تعداد کسانی که جان خواهند باخت بدست می‌آید. مثلا کشوری که ۱۰ میلیون جمعیت دارد انتظار می‌رود که 204000 نفر جان‌شان را از دست بدهند. یعنی حدود ۲۰٪ از جمعیت! ضمنا برای آشنایی بیشتر با نحوه محاسبه نرخ مرگ و میر می‌توانید به لینک حاضر مراجعه کنید: Why are coronavirus mortality rates so different? - video explainer

[44] ظرفیت بخش مراقبت‌های ویژه در سوئد زیر ۱۰۰۰ است. به نقل از سایت تلویزیون سوئد: IVA-platserna sinar i landet - stor osäkerhet om de kommer att räcka

[45] 'باید تصمیم بگیریم کدام بیمار را درمان کنیم و کدام را درمان نکنیم'، Italy is prioritizing young COVID-19 patients over the elderly / بیمارستانی در سوئد از پذیرش سالمندان مبتلا به کرونا خودداری کرد، Coronavirus may force UK doctors to decide who they'll save

[46] به نقل از مترو انگلیس، ۱۱ مارس: Telegraph journalist says coronavirus 'cull' of elderly could benefit economy

[47] لینک دسترسی به مصاحبه او.

[48] به نقل از دویچه وله فارسی. اختصاص ۸ میلیارد دلار برای مقابله جهانی با کرونا

[49] به نقل از فارین پالیسی. ?How Long Until There's a Coronavirus Vaccine

[50] سازمان جهانی کار (ILO) صفحه ویژه‌ای در سایت خود تاسیس کرده که در آن می‌شود واکنش دولت‌های جهان نسبت به تاثیرات اقتصادی-اجتماعی پاندمی کووید۱۹- را مورد مطالعه قرار داد. بعبارت دقیق‌تر کلیه اقدامات حمایتِ اجتماعی ارائه شده توسط تقریبا همه دولت‌های جهان را می‌شود بر اساس تاریخ شروع، حجم، مشمولیت و غیره ملاحظه کرد یا بصورت گزارش دریافت نمود. این کمک‌ها که بیش از ۷۰ اقدام حمایتی را شامل می‌شوند عبارتند از: پرداخت کمک هزینه در هنگام قرنطینه یا محدودیت‌های مقرر شده، مقرری به ازکارافتادگان، پرداخت بخش اعظم مزد در هنگام بیماری، پرداخت کمک مالی برای جبران زیان مالی ناشی از پاندمی و غیره. در لینک حاضر می‌توان اقدامات حمایتی دولتها را دید. بعلاوه می‌توان گزارش کتبی دریافت کد. جدیدترین گزارش مربوط به ۶ آوریل است Social protection responses to COVID-19 crisis around the world

[51] بنا به گزارش Forbes سرمایه‌گذاری دولتها روی تسلیحات نظامی ۲٫۵ تا ۸ برابر بیشتر از سرمایه‌گذاری‌شان روی حو.زه‌های بهداشت و درمان بوده است. Global Health And Military Expenditure In Comparison

[52] نمونه چنین تفکری را می‌توان در نظریات دیوید هاروی دید. دو ترجمه از این مقاله هست: سیاست ضدسرمایه‌داری در دوران کووید-۱۹ و سیاست ضد سرمایه‌داری در زمانه‌ی کرونا

[53] «بحران سلامتی که ویروس کرونا برای بشر امروزایجاد کرده است… موقتی است… ما با دو بحران دائمی بسیار خطرناکتر و جدی تر… روبرو هستیم… یکی جنگ هسته ای است و دیگری گرم شدن کرهٔ زمین. باید اذعان نمود که این تهدیدات اعم از بحران کرونا و جنگ هسته ای و گرم شدن کره زمین تهدیداتی است که به دلیل إعمال سیاست های نئولیبرالیسم ایجاد شده است و روز به روز نیز شدت خواهد گرفت… منشاء همه نابسامانی ها و مشکلات عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بخاطر إعمال سیاست های نئولیبرالیسم و بازار جهانی است. برای

مثال، ازمدتها پیش نئولیبرالیسم می دانست که یک بیماری فراگیر و کمی متفاوت با بیماری سارس (SARSr-CoV) که گونه ای از ویروس کرونا است، از راه خواهد رسید و جهان را مبتلا خواهد کرد. سیاست نئولیبرالیسم می توانست برای پیشگیری از این بیماری دست به کار شود و واکسن آنرا تهیه کند. اما کمپانیهای خصوصی داروسازی (Big Pharma) همراه با لابی‌های وابسته، برایشان ساختن انواع کِرِم‌پودرهای جدید سودآورتر از ساختن واکسن کرونا می باشد... تهدید فلج اطفال با واکسن سالک (SALK) پایان یافت؛ واکسنی که توسط یک نهاد دولتی ساخته شده بود و بدون ثبت اختراع در دسترس همگان قرار گرفت. همین اقدام می توانست در مورد ویروس کرونا انجام گیرد اما طاعون نئولیبرالیسم مانع از آن شد.» منبع: ویروس کرونا و نئولیبرالیسم نوام چامسکی، ترجمه: ن. نوری زاده

[54] «علت اصلی واکنشِ کُند دولت‌های غربی را باید در عفونتی جستجو کرد که اقتصادشان را در چهار دهه گذشته آلوده کرده، و نئولیبرالیسم نام دارد؛ ایده‌ای که بر برتری اقتصاد بازار، حذف نقش دولت و افزایش چشمگیر نقش شرکت‌ها و بنگاه‌های بزرگ اقتصادی و بانک‌ها، تحت نام بازار آزاد است... [در اینجا] منابع حیاتی مثل تکنولوژی پزشکی، بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها برای این منظور طراحی شده‌اند که سودآور باشند نه برای سرویس دادن به مردم. با آنکه آمریکا می‌تواند ادعا کند که بهترین سیستم سلامت و درمان جهان را دراختیار دارد با اینحال این سیستم فقط برای کسانی رزرو شده که قادر به پرداخت هزینه‌اش هستند. هیچ استدلال بازاری برای تولید کالاها و خدماتی که مردم از پرداخت هزینه‌اش عاجزند، وجود ندارد... »، منبع: West's Slow Response to COVID-19 Stems from Neoliberalism: US Analyst

[55] نائومی کلاین نویسنده و فعال اجتماعی سوسیال دموکرات است که بیشتر نقدهایش علیه جهانی‌سازی نئولیبرالی است. کتاب «دکترین شوک: ظهور سرمایه‌داری فاجعه» سومین کتاب نائومی کلاین است. ترجمه فارسی این کتاب با برگردان مهرداد (خلیل) شهابی و میر محمود نبوی در دسترس است. لینک دسترسی. ضمنا یک مستند تصویری هم در معرفی این دکترین در یوتیوب موجود است که می‌تواند مورد استفاده علاقمندان قرار گیرد. لینک دسترسی. برای آشنایی با تهیه کننده و کارگردان این مستند به لینک حاضر مراجعه کنید. نائومی کلاین از سال ۲۰۰۳ مشغول مطالعه شوک‌ها و بحرانهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است.

[56] Donald Ewen Cameron(1901-1967) یک روانشناس اسکاتلندی بود که در فاصله سالهای ۱۹۵۷ تا 1964 در دانشگاه مک‌گیل (McGill University) کانادا به همکاری با پروژه MKUltra پرداخت. وی پس از تزریق مواد مختلف به اشخاص، آنها را تا هفته ها در کُما نگاه می‌داشت و در همان حال جملات تکراری را برایشان پخش می‌کرد. نتایج نشان داد که برخی از قربانیان، بازجوهاشان را والدین‌شان می‌پنداشتند! در دهه‌های هفتاد و هشتاد، روش کامرون در آمریکای لاتین توسط دولت پینوشه مورد استفاده قرار گرفت. در سال ۱۹۸۸ نیویورک تایمز گوشه‌ای از این پروژه را از زبان یکی از شکنجه‌گران فاش کرد. (لینک دسترسی). ضمنا گفتنی است که کامرون اولین رئیس "مجمع جهانی روانپزشکی" و همچنین رئیس انجمن‌های روانپزشکی آمریکا و کانادا نیز بود! لینک دسترسی به اطلاعات بیشتر.

[57] لینک دسترسی

[58] National Security Archive وابسته به دانشگاه جورج واشنگتن. لینک دسترسی

[59] Jeffrey Talbot Richelson (31 December 1949 - 11 November 2017) حدود ۱۳ کتاب و مقالات فراوان راجع به این موضوع منتشر کرد. لینک دسترسی به اطلاعات بیشتر.

[60] فریدمن (۲۰۰۶-۱۹۱۲) متولد نیویورک و فارغ‌التحصیل دکترای اقتصاد از دانشگاه کلمبیا (۱۹۴۶) است. او کارش را در دانشگاه شیکاگو آغاز کرد و سی سال همانجا به فعالیت‌های دانشگاهی پرداخت. او از بانیان مکتب شیکاگو است. معروف‌ترین اثرش «آزادی و سرمایه‌داری» است که در سال ۱۹۶۲ منتشرش شد. او در سال ۱۹۶۷ به ریاست انجمن اقتصادی آمریکا رسید و ده سال بعد (۱۹۷۶) جایزه نوبل اقتصاد را دریافت کرد. او در سال ۱۹۸۰ در تولید یک سری ویدئوی اقتصادی (در ده قسمت) شرکت کرد (لینک دسترسی) شرکت کرد. او مدافع کوتاه کردن دست دولت از بازار آزاد و فعالیت‌های اقتصادی است. البته او مخالف وجود دولت نیست بلکه موافق حضور آن برای پیشبرد اهداف بورژوازی است. این ویدئوی سخنرانی او برای معرفی نظراتش به اندازهٔ کافی گویاست.

[61] اگرچه این باصطلاح اقدامات درمانی شکنجه محسوب می‌شدند اما آنها از کلمه شکنجه استقاده نمی‌کردند و بجایش از شوک بهره می‌گرفتند که بیشتر با پروسه درمان!! همخوانی داشت.

[62] لینک دسترسی به مستند تصویری در رابطه با اعمال سیاستهای فریدمنی در شیلی.

[63] در متن اصلی به سندی در رابطه با سپردن حمله نظامی و اشغال عراق و افغانستان به بخش خصوصی ارجاع داده شده است. لینک دسترسی

[64] این مصاحبه توسط Marie Solis خلاصه شده و در سایت vice در دسترس است. Coronavirus Is the Perfect Disaster for 'Disaster Capitalism'

[65] Alberta finalizes $1.5B Keystone XL pipeline agreement

[66] برای کسب آگاهی بیشتر به مقاله Disaster capitalism: Coronavirus crisis brings bailouts, tax breaks and lax environmental rules to oilsands مراجعه کنید.

[67] COVID-19: Coronavirus Capitalism versus Persistent Activism

[68] Bromma sjukhus säljs till Wallenbergsfären

[69] برای آشنایی بیشتر با نقطه‌نظرات نائومی کلاین، مصاحبهٔ اخیرش می تواند مفید باشد. ظاهرا دو ترجمه از این مصاحبه در دست است: نائومی کلاین: ویروس کرونا فاجعه‌ی تمام‌عیار برای سرمایه‌داریِ فاجعه‌محور است و "سرمایه‌داریِ فاجعه" چگونه از ویروس کرونا سودجویی می‌کند؟

[70] این مصاحبه توسط Marie Solis خلاصه شده و در سایت vice در دسترس است. Coronavirus Is the Perfect Disaster for 'Disaster Capitalism'

[71] به نقل از صدای امریکا: ۲۵۰ میلیون نفر در آستانه گرسنگی؛ چالش جدیدی که بحران کرونا پیش پای دنیا می‌گذارد

[72] به نقل از بی.بی.سی: کرونا 'معاش یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون کارگر را تهدید می‌کند'

[73] به نقل از دویچه‌وله: سازمان ملل: کرونا معاش بیش از یک و نیم میلیارد کارگر را تهدید می‌کند

[74] COVID-19 Watch

[75] جزییات این گزارش را می‌توانید در Inside the slaughterhouse بخوانید.

[76] پرستاران بیمارستان‌های خصوصی؛ قربانیان کاهش سود

[77] Bailouts for the Rich, the Virus for the Rest of Us و ترجمه فارسی آن نجات اقتصادی برای ثروتمندان، ویروس برای بقیه

[78] Silicon Valley's mega-rich flee to New Zealand during coronavirus crisis

[79] دولت ترامپ در نخستین اقدامش ۱/۵ تریلیون دلار به بازار مالی تزریق کرد و این در حالی بود که بخش بزرگی از جامعه امریکا از بیمه درمانی محرومند و مراکز درمانی تجهیزات لازم برای مقابله با ویروس کرونا را ندارند!

[80] به نقل از نیویورک تایمز: Stock Sales by Senator Richard Burr Ignite Political Uproar و Even if legal, politicians profiting off inside information amid coronavirus crisis is outrageous

[81] این را در اصطلاح stock buyback یا share repurchase هم می‌گویند.

[82] کرونا؛ ثروت رئیس آمازون ٢٤ میلیارد دلار افزایش یافت

[83] Why Amazon paid no 2018 US federal income tax

[84] کرونا میلیاردها دلار به ثروت صاحب آمازون افزوده است

[85] به نقل از دویچه‌وله: حوزه‌های گوناگونی از اقتصاد آلمان در بحران کرونا سود می‌برند

[86] همانجا

[87] برای آشنایی با هج فاندز این مقاله می‌تواند مفید باشد: صندوق پوشش ریسک (hedge fund) چیست و برای کدام سرمایه‌گذاران مناسب است؟

[88] به نقل از Corporate Watch: CORONA CAPITALISM: SOME OF THE COMPANIES CASHING IN ON THE CRISIS, FROM BEZOS TO BIG PHARMA.

[89] اول جنرال موتورز در امریکا شروع کرد بعد فورد آلمان و بعد فیات ... لینک دسترسی

[90] همانجا

[91] به نقل از گاردین ۱۳ مارس ۲۰۲۰: Coronavirus lifestyles of the rich and famous: how the 1% are coping

[92] به نقل از گاردین ۲ مارس ۲۰۲۰: Wealthy turning to private jets to escape coronavirus outbreak

[93] برای آشنایی بیشتر با مفهوم سرمایه موهومی به «معمای انباشت سرمایه‌ی موهومی» نوشته پرویز صداقت یا «ماهیت و خصلت سرمایهٔ موهوم» نوشته آرمان پویان و شهلا نیازی مراجعه کنید. انگلس نیز در فصل ۳۲ از جلد سوم کاپیتال توضیحاتی در باره سرمایه اعتباری و موهومی دارد که خواندنی است.

[94] نمونه چنین کمپینی را می‌توان در فراخوان دکتر تدروس ادهانوم، دبیرکل سازمان بهداشت جهانی دید: «تنها راه غلبه بر این اپیدمی که به‌تمام دنیا سرایت کرده، همان‌طور که همیشه بر آن تاکید کرده ایم، وحدت و هم‌بستگی است. اتحاد، اتحاد و تنها اتحاد... ما همگی متعلق به‌یک نسل هستیم و همین واقعاً کافی‌ست. کروناویروس دشمن نامرئی بشریت است».

[95] بنا به گزارش Forbes سرمایه‌گذاری دولتها روی تسلیحات نظامی ۲/۵ تا ۸ برابر بیشتر از سرمایه‌گذاری‌شان روی حوزه‌های بهداشت و درمان بوده است. Global Health And Military Expenditure In Comparison

[96] برای آشنایی بیشتر با تاریخچه وبا به لینک حاضر مراجعه کنید.